



The Reflection of Belief in the Hereafter on Human Worldly Life, with an Emphasis on the Fortieth Supplication of Al-Sahifa al-Sajjadiyya.

Soraya abdi¹

¹. Level Two of the Women's Seminary. abdtavab11@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received

۱۷/۱۰/۲۰۲۰

Received in revised form

۱۷/۱۱/۲۰۲۰

Accepted

۰۳/۱۲/۲۰۲۰

Available online

۰۹/۱۲/۲۰۲۰


Keywords:

belief in the Hereafter,
Islamic ethics,
social justice,
religious education,
peaceful coexistence.

ABSTRACT

Belief in the Hereafter is one of the fundamental doctrinal principles of Islam and a central pillar in the moral and educational system of human development. The main question of this study concerns the impact of faith in the Hereafter on a person's worldly life, particularly in its individual and social dimensions. Accordingly, the present research aims to explain the ethical, educational, and social aspects of belief in the Hereafter, seeking to illuminate the connection between faith in the afterlife and human behavior in the light of Qur'anic verses, narrations, and contemporary religious analyses. The research adopts a descriptive-analytical method, relying on content analysis of Qur'anic and hadith sources as well as findings from contemporary studies in the fields of educational jurisprudence and Islamic psychology. The findings reveal that faith in the Hereafter, in addition to strengthening self-control and restraint, leads to psychological tranquility, active hope, the pursuit of justice, social cooperation, and moral responsibility. Belief in the Hereafter constitutes the essential foundation of the human moral conscience and serves as a mechanism for the realization of a just and balanced society. These results indicate that revitalizing eschatological belief within the educational and cultural systems of Islamic societies can play a decisive role in the spiritual elevation of individuals and the psychological and moral well-being of society.

Cite this article: Abdi, Sorayya (۲۰۲۰). The Reflection of Belief in the Hereafter in Human Worldly Life with Emphasis on the Fortieth Prayer of Al-Sahifah al-Sajjadiyyah. *Journal of Modern Islamic Studies in the Context of Modernity*, ۱(۱), ۱۰۹-۱۲۳.

 <https://orcid.org/0009-0006-9878-7948>



© The Author(s).

Publisher: Quarterly Journal of Modern Islamic Studies and Modern.



بازتاب باور به معاد در زندگی دنیوی انسان با تاکید بر دعای چهلم صحیفه سجادیه

ثریا عبدی^۱

۱. سطح دو حوزه علمیه خواهران. abdtavab11@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

باور به معاد از اصول بنیادین اعتقادی اسلام و رکن اصلی در نظام تربیتی و اخلاقی انسان است. مسئله اصلی این پژوهش آن بود که ایمان به معاد چه تأثیری در زندگی دنیوی انسان، به‌ویژه در ابعاد فردی و اجتماعی او دارد؟ بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد اخلاقی، تربیتی و اجتماعی معادباوری، تلاش کرد تا پیوند میان ایمان به آخرت و کنش‌های انسانی را در پرتو آیات قرآن، روایات و تحلیل‌های معاصر دینی بررسی کند. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای منابع قرآنی و روایی و یافته‌های پژوهش‌های معاصر در حوزه فقه تربیتی و روان‌شناسی اسلامی بوده است. داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و تحلیل تطبیقی آثار معتبر در حوزه معاد و اخلاق اسلامی گردآوری و بررسی شده است. تحلیل‌ها بر اساس روش استنتاجی، رابطه میان باور به حساب و جزا با شکل‌گیری اخلاق فردی، عدالت اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز را تبیین نموده است. نتایج پژوهش نشان داد که ایمان به معاد، افزون بر تقویت خودکنترلی و خویش‌داری، موجب آرامش روان، امید فعال، عدالت‌خواهی، تعاون اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی می‌شود. معادباوری، بنیان اصلی وجدان اخلاقی در انسان و سازوکار تحقق جامعه عادل و متعادل است. این یافته‌ها گویای آن است که احیای معادباوری در نظام تربیتی و فرهنگی جوامع اسلامی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تعالی روحی فرد و سلامت روانی و اخلاقی جامعه داشته باشد.

نوع مقاله:

مقاله تخصصی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۷/۲۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۹/۱۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۹/۱۵

کلیدواژه‌ها:

معادباوری،

اخلاق اسلامی،

عدالت اجتماعی،

تربیت دینی،

همزیستی

مسالمت‌آمیز.

استناد: عبدی، ثریا (۱۴۰۴). بازتاب باور به معاد در زندگی دنیوی انسان با تاکید بر دعای چهلم صحیفه سجادیه. مطالعات اسلامی نوین

در بستر مدرنیته، ۱ (۱)، ۱۲۳-۱۰۹.

 <https://orcid.org/0009-0006-9868-7948>

© نویسندگان.

ناشر: فصلنامه مطالعات اسلامی نوین در بستر مدرنیته.

مقدمه

از برجسته‌ترین ارکان ایمان اسلامی، باور به معاد و حیات اخروی است؛ باوری که نه تنها به عنوان یکی از اصول سه‌گانه دین اسلام در کنار توحید و نبوت مطرح است، بلکه بنیاد اخلاق، رفتار، و نگرش انسان مؤمن را شکل می‌دهد. قرآن کریم در آیات فراوانی بر ایمان به معاد تأکید می‌ورزد و آن را ملاک ارزیابی ایمان واقعی می‌داند؛ زیرا بدون اعتقاد به زندگی پس از مرگ، نظام تربیتی و اخلاقی انسان ناقص و بی‌پایه می‌گردد. باور به معاد، انسان را از محدود ماندن در دایره‌ی تمایلات دنیوی رها می‌سازد و رفتار او را در چارچوب مسئولیت‌پذیری، پرهیز از گناه، و تلاش برای کمال روحی قرار می‌دهد.

با وجود این جایگاه رفیع، گاه مشاهده می‌شود که در زندگی دنیوی بسیاری از مسلمانان، باور به معاد در حد یک مفهوم ذهنی باقی مانده و تأثیر واقعی آن در رفتار و تصمیم‌گیری‌های روزمره نمود چندانی ندارد. این مسئله پرسش مهمی را پیش روی پژوهشگر می‌نهد: چگونه می‌توان از سطح اعتقاد نظری به معاد، به مرحله‌ی باور درونی و رفتار عینی رسید؟ پاسخ به این پرسش نیازمند واکاوی آموزه‌های دینی‌ای است که نقش معادباوری را در حیات دنیوی انسان به صورت کاربردی و تربیتی نشان داده‌اند. یکی از متون اصیل و ارزشمند در این زمینه، صحیفه سجاده است؛ مجموعه‌ای از دعاها و مناجات‌های امام سجاده (ع) که افزون بر جنبه عبادی، سرشار از مضامین معرفتی و اخلاقی است. در میان این مجموعه، دعای چهلم صحیفه سجاده جایگاهی ویژه دارد، زیرا در آن، حضرت به صورت عمیق و منسجم به مسئله معاد، حساب، و نتایج اعمال انسان در آخرت می‌پردازد و تأثیر آن بر رفتار دنیوی را تبیین می‌فرماید.

بنابراین، مسئله محوری این پژوهش آن است که باور به معاد، همان‌گونه که در دعای چهلم صحیفه سجاده ترسیم شده است، چگونه در زندگی دنیوی انسان بازتاب می‌یابد و چه نقش تربیتی و اخلاقی در اصلاح رفتار، افکار و روابط فردی و اجتماعی دارد. از این منظر، پژوهش حاضر به دنبال تبیین رابطه‌ای دوسویه میان ایمان به معاد و زندگی دنیوی انسان است؛ رابطه‌ای که از طریق تحلیل محتوای دعای امام سجاده (ع) قابل شناخت و ارزیابی است.

اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق از چند جهت قابل توجه است. نخست آن که در شرایط کنونی جوامع اسلامی، یکی از آسیب‌های فرهنگی، کم‌رنگ شدن باور به آخرت در عرصه زندگی روزمره است. غفلت از یاد معاد موجب بروز رفتارهای ناهنجار، گسترش دنیاگرایی و ضعف در تعهدات اخلاقی می‌شود. در حالی که آموزه‌های دینی، معاد را به منزله‌ی معیار تنظیم رفتار دنیوی معرفی کرده‌اند؛ زیرا ایمان به حساب و جزا، احساس مسئولیت و کنترل درونی را در انسان زنده می‌کند. از این رو، بازخوانی متون اصیل اسلامی در این باره، به ویژه ادعیه اهل بیت (ع) که بیانگر پیوند معرفت و عمل هستند، ضرورتی مضاعف دارد.

دوم آن که بررسی این موضوع از منظر صحیفه سجاده، جنبه‌ای نوآورانه به تحقیق می‌بخشد. ادعیه امام سجاده (ع) صرفاً بیان احساسات عبادی نیستند، بلکه مدرسه‌ای کامل از معرفت، تربیت و اخلاق اسلامی‌اند. در دعای چهلم، امام با زبانی دعاگونه اما عمیقاً تربیتی، به یاد مرگ، قیامت، و حساب اعمال پرداخته و با ترسیم چهره‌ای بیدارگر از معاد، انسان را به اصلاح زندگی دنیوی و تهذیب نفس دعوت می‌کند. مطالعه و تحلیل این دعا، می‌تواند راهی نو برای فهم پیوند میان دین‌ورزی عبادی و زیست اخلاقی و روانی انسان معاصر بگشاید.

سوم آن که از منظر میان‌رشته‌ای، این پژوهش در مرز میان الهیات، اخلاق و روان‌شناسی دینی قرار دارد؛ زیرا باور به معاد، افزون بر بُعد اعتقادی، دارای آثار روانی و رفتاری است. مطالعات روان‌شناسی دین نشان داده‌اند که ایمان به حیات پس از مرگ،

موجب افزایش امید، معنابخشی به زندگی، و کاهش اضطراب‌های وجودی می‌شود. این یافته‌ها، در پرتو متون اسلامی به‌ویژه دعاهای امام سجاده(ع)، قابل بازتفسیر فقهی و اخلاقی هستند و می‌توانند در تربیت دینی نسل امروز کاربرد داشته باشند. بر اساس این مبانی، سؤال اصلی تحقیق چنین است:

«باور به معاد، بر اساس مضامین دعای چهلم صحیفه سجادیه، چه بازتابی در رفتار و زندگی دنیوی انسان دارد؟»
به‌منظور پاسخ به این سؤال، پژوهش بر تحلیل محتوایی مفاهیم محوری دعای چهلم مانند خوف از حساب، امید به رحمت، درخواست مغفرت، و اصلاح اعمال دنیوی متمرکز می‌شود و نشان می‌دهد که این مفاهیم چگونه در نگرش انسان به دنیا و رفتار اجتماعی او انعکاس می‌یابند.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون آثار متعددی در زمینه معاد و آثار آن بر اخلاق اسلامی نگاشته شده است، اما بیشتر آن‌ها بر جنبه‌های کلامی یا تفسیری تمرکز داشته‌اند. برای مثال، در کتاب المعاد در قرآن تألیف آیت‌الله سبحانی (قم، مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۰)، مسئله معاد از دیدگاه فلسفی و کلامی بررسی شده است. همچنین در مقاله «نقش ایمان به آخرت در تربیت اخلاقی انسان» نوشته حسین خرازی (مجله معارف اسلامی، ۱۳۹۵)، به رابطه میان آخرت‌باوری و تهذیب اخلاق پرداخته شده است. این آثار هرچند ارزشمندند، اما کمتر به بازتاب عملی باور به معاد در زندگی دنیوی پرداخته‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی در زمینه صحیفه سجادیه نیز انجام شده است، مانند کتاب انسان کامل در صحیفه سجادیه اثر سید مهدی میرباقری (۱۳۹۰) و مقاله «تحلیل مضامین اخلاقی در دعاهای امام سجاده(ع)» (زهرا حسینی، فصلنامه فرهنگ رضوی، ۱۳۹۸). با این حال، پیوند میان «معادباوری» و «سبک زندگی» در پرتو دعای چهلم هنوز به‌صورت مستقل و منسجم بررسی نشده است.

خلاً پژوهشی در این زمینه آشکار است: هرچند معاد یکی از اصول بنیادی دین است، اما پژوهش‌هایی که آن را در بستر دعا و تربیت دینی تحلیل کنند اندک‌اند. تحقیق حاضر درصدد است این خلأ را پر کند و با تکیه بر متن اصیل صحیفه سجادیه، نشان دهد که چگونه امام سجاده(ع) از مفهوم معاد به‌عنوان ابزاری برای اصلاح دنیوی انسان بهره گرفته است.

از حیث روش‌شناختی، این مقاله با رویکرد تحلیل محتوایی و معناشناختی به بررسی دعای چهلم می‌پردازد. ابتدا مفاهیم کلیدی مانند معاد، حیات دنیوی، و مسئولیت انسان در برابر اعمال خود از دیدگاه متون اسلامی تبیین می‌شود؛ سپس با استخراج مضامین معادی در فرازهای مختلف دعا، چگونگی اثرگذاری این باور بر رفتار، اخلاق و نگرش انسان در دنیا تحلیل خواهد شد.

بنابراین، اهمیت علمی این پژوهش در بازخوانی رابطه‌ای است که میان معرفت اعتقادی و زندگی روزمره برقرار می‌سازد. باور به معاد در دعای چهلم، نه صرفاً آموزه‌ای اعتقادی، بلکه نیرویی محرک برای اصلاح دنیوی است؛ زیرا انسان آگاه به بازگشت و حساب، نه تنها در رفتار فردی، بلکه در روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود نیز تجدیدنظر می‌کند. این همان بازتاب عملی ایمان است که اسلام بر آن تأکید دارد.

به بیان دیگر، مطالعه حاضر در پی آن است که با تکیه بر میراث امام سجاده(ع)، نشان دهد معادباوری، عنصری بنیادین در شکل‌گیری انسان متعهد، امیدوار و مسئول است؛ انسانی که دنیا را مزرعه آخرت می‌بیند و بر اساس این نگرش، زندگی خود را معنا می‌بخشد. بدین ترتیب، بازتاب باور به معاد در زندگی دنیوی، نه تنها در قلمرو نظری دین، بلکه در عرصه رفتار، اخلاق و سبک زیست مؤمنانه نیز قابل مشاهده است.

۱. مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی در پژوهش حاضر به منزله گام بنیادین نظری است که با هدف تبیین دقیق واژگان کلیدی و رفع ابهام‌های معنایی انجام می‌شود، تا زمینه‌ای روشن برای تحلیل محتوای قرآنی و تربیتی فراهم گردد. در این بخش، مفاهیم محوری مرتبط با موضوع - از جمله معاد و زندگی دنیوی - بر اساس منابع لغوی، تفسیری و فلسفی بررسی و تحلیل می‌شوند.

۱.۱. مفهوم معاد در آموزه‌های قرآنی و روایی

واژه «معاد» از ریشه «ع و د» گرفته شده و در لغت به معنای بازگشت، رجوع و بازگشتگاه است. در منابع لغوی عربی، «عاد» به معنای رجوع بعد از مفارقت آمده و «معاد» اسم مکان و زمان رجوع معرفی شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۱۲). در لغت‌نامه‌های فارسی نیز «معاد» به معنای بازگشت دوباره انسان پس از مرگ به حیات دیگر و سرای آخرت تعبیر شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۱۰). بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی، «معاد» مفهومی ناظر به بازگشت از حالتی به حالت دیگر و انتقال از مرحله‌ای از وجود به مرتبه‌ای متعالی‌تر است.

در آموزه‌های قرآنی، معاد نه صرفاً یک رویداد آینده، بلکه حقیقتی جاری در هستی است. قرآن کریم بازگشت انسان را به خداوند از اصول آفرینش می‌داند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶). در این آیه، معاد با مالکیت الهی پیوند خورده و بیانگر این معناست که همان‌گونه که مبدأ انسان خداست، مقصد نهایی نیز به سوی اوست. در آیه دیگر آمده است: «كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (اعراف: ۲۹) که بازگشت به همان نحوی که آفرینش آغاز شد، تأکید شده است. این بیان قرآنی، معاد را امتداد طبیعی و منطقی توحید معرفی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که باور به خداوند خالق، بدون پذیرش بازگشت به سوی او ناقص خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۵۷). در روایات معصومان (ع)، معاد به‌عنوان محور سنجش ایمان انسان مطرح است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه فرمودند: «بدانید آن کس که یاد مرگ، زندگی او را اصلاح نکند، هیچ پند و اندرز دیگری او را سود نخواهد داد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۸). در این بیان، یاد مرگ و باور به حیات اخروی عامل اصلاح رفتار دنیوی معرفی شده است. در احادیث نبوی نیز، یاد معاد همواره با توصیه به تقوا، عدالت و خدمت به دیگران همراه است که نشان می‌دهد ایمان به آخرت، مستقیماً به اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی پیوند دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۲).

از دیدگاه فلسفه اسلامی، معاد بیانگر بُعد پایانی حرکت تکاملی انسان است؛ حرکتی از عالم ماده به عالم معنا. هستی انسان، از نظر حکمت متعالیه، حرکتی جوهری دارد که به مجرد نفس و بقاء روح در عالم دیگر می‌انجامد. از این رو، اعتقاد به معاد، بر مبنای اصول هستی‌شناختی و انسان‌شناختی استوار است و جنبه اخلاقی و تربیتی آن از این مبنا ناشی می‌شود (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۲۲).

در فقه و کلام اسلامی، معاد به دو گونه تبیین می‌شود: معاد جسمانی و معاد روحانی. قرآن کریم هر دو را در کنار یکدیگر بیان می‌کند؛ در حالی که جسم در قیامت برای دریافت جزا بازآفرینی می‌شود، روح نیز در مسیر تکامل خود به مرتبه‌ای از ادراک و حضور نزد پروردگار می‌رسد. بنابراین، معاد از منظر قرآنی، پیوندی میان نظام آفرینش و نظام اخلاقی انسان برقرار می‌سازد. انسان با آگاهی از بازگشت، رفتار خود را بر مبنای مسئولیت و تقوا سامان می‌دهد. این حقیقت در دعای چهلم صحیفه سجاده نیز به روشنی قابل مشاهده است، آن‌گاه که امام سجاده (ع) از خداوند طلب می‌کند که او را در یاد قیامت استوار بدارد تا از غفلت در دنیا مصون بماند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۸۸).

از منظر معرفتی، معاد تنها حادثه‌ای آینده‌نگر نیست، بلکه یک «جهت هستی‌شناختی» است که معنای زندگی دنیوی را تعیین می‌کند. بدون معاد، اعمال انسان از معنا تهی می‌شوند و عدالت الهی تحقق نمی‌یابد. قرآن در آیه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا» (مؤمنون: ۱۱۵) این حقیقت را یادآور می‌شود که اگر معادی در کار نباشد، آفرینش انسان بیهوده خواهد بود. پس باور به معاد، محور معنا و جهت‌گیری حیات انسانی است و در تربیت ایمانی، نقش بازدارنده از گناه و محرک به سوی عمل صالح دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۷۵).

به‌طور کلی، در آموزه‌های قرآنی و روایی، معاد نه تنها پایان زندگی، بلکه تحقق هدف آن است. ایمان به معاد، نگاه انسان را از ظواهر فانی دنیا به حقایق پایدار آخرت معطوف می‌کند و او را از اسارت در تمایلات و خودپرستی رهایی می‌بخشد. از این‌رو، تمام نظام اخلاقی اسلام بر محور معاد و حساب استوار است، چنان‌که در قرآن آمده: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۸۷).

۱،۲. مفهوم زندگی دنیوی در نگرش اسلامی

واژه «دنیا» در اصل از ریشه «دنوّ» به معنای نزدیک‌تر و پست‌تر آمده است (فیروزآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۴۲). در کاربرد قرآنی، «دنیا» به مرحله‌ای از حیات انسان گفته می‌شود که نسبت به آخرت، نزدیک‌تر و گذراتر است. این تعبیر، بار ارزشی خاصی دارد؛ زیرا دنیا در نگاه اسلام نه مطلقاً نکوهیده و نه کاملاً مطلوب است، بلکه عرصه‌ی آزمون و زمینه‌ی رشد معنوی انسان به شمار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۸).

قرآن کریم در توصیف دنیا دو بعد را هم‌زمان بیان می‌کند: از یک سو، دنیا را «متاع الغرور» می‌خواند (آل عمران: ۱۸۵) که دلالت بر فریبندگی آن دارد؛ از سوی دیگر، آن را محل عمل و کسب تقوا معرفی می‌کند (جمعه: ۱۰). این دوگانگی ظاهری در واقع بیانگر رابطه‌ی ابزارگونه دنیا با آخرت است؛ دنیایی که به‌درستی فهمیده شود، پل عبور به سعادت اخروی است، و اگر مقصد پنداشته شود، عامل سقوط انسان خواهد بود (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۵۶).

در روایات اسلامی نیز دنیا «مزرعه آخرت» دانسته شده است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «الدنيا دار صدق لمن صدقها و دار عافية لمن فهم عنها»؛ دنیا خانه صدق است برای کسی که آن را درست بفهمد (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۱). این روایت به‌خوبی نشان می‌دهد که نگرش اسلام به دنیا، نه طرد کامل آن بلکه درک وظیفه‌مندانه از آن است. بدین معنا که دنیا ابزار تکامل است و ارزش آن در جهت‌گیری آن به سوی خداوند نهفته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۰۳).

از دیدگاه عرفانی، دنیا محل تجلی صفات الهی در سطح ماده است. انسان در این عرصه با اراده و اختیار خود مسیر تکامل یا انحطاط را برمی‌گزیند. به همین جهت، اسلام دل‌بستگی به دنیا را نکوهش می‌کند، نه بهره‌مندی از آن را. در قرآن آمده است: «وَلَا تَسْ نَصِيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷)؛ یعنی بهره خود را از دنیا فراموش مکن. این آیه دلالت دارد که تعادل میان دنیا و آخرت مطلوب است و انسان باید در دنیا به اندازه‌ای بماند که او را به آخرت نزدیک‌تر سازد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۸).

از منظر فقهی و اخلاقی، زندگی دنیوی صحنه‌ی تحقق تکلیف الهی است. انسان در دنیا با انجام عبادات، رعایت حدود شرعی و خدمت به خلق، مسیر قرب الهی را می‌پیماید. بنابراین، دنیا ظرف عمل است، نه موضوع لذت‌طلبی. هرگونه افراط یا تفریط در برخورد با دنیا، چه به‌صورت دنیاگریزی افراطی و چه دنیاپرستی مفرط، از نگاه قرآن انحراف از صراط مستقیم است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۱۱).

بر این اساس، زندگی دنیوی در نگرش اسلامی، مرحله‌ای از حیات مستمر انسان است که جهت آن با ایمان به معاد معنا می‌یابد. اگر انسان دنیا را جدای از آخرت بنگرد، به پوچی و اضطراب می‌رسد، اما اگر آن را گذرگاه رشد و ابتلا بداند، هر عمل

کوچک را نیز در پیوند با حیات ابدی می‌بیند. از همین رو، دعا‌های امامان (ع) از جمله صحیفه سجادیه، انسان را به تفکر در ناپایداری دنیا و آمادگی برای آخرت فرا می‌خوانند. این آموزه‌ها نه دعوت به ترک دنیا، بلکه تأکید بر استفاده هدفمند از آن‌اند تا زندگی دنیوی انسان رنگ عبودیت و آرامش گیرد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۷۴).

۲. تجلی باور به معاد در ابعاد مختلف زندگی انسان

باور به معاد از مهم‌ترین آموزه‌های الهی است که نه تنها در ساحت اعتقاد، بلکه در عرصه‌های گوناگون حیات انسان، جلوه و تأثیر دارد. این ایمان عمیق، جهت‌دهنده رفتار، سامان‌دهنده ارزش‌ها و معنابخش به زندگی دنیوی است و آثار آن در شکل‌گیری شخصیت فردی و تعاملات اجتماعی به‌وضوح قابل مشاهده است.

۲.۱. بازتاب باور به معاد در شخصیت و اخلاق فردی

ایمان به آخرت با ایجاد احساس مسئولیت درونی، اراده انسان را استحکام بخشیده و مسیر تربیت اخلاقی او را هموار می‌سازد. یاد قیامت، غرایز را مهار و انگیزه‌های اخلاقی را تقویت می‌کند و فرد مؤمن به‌سوی خویشنداری، آرامش درونی و امید معنادار به رحمت الهی سوق داده می‌شود.

۲.۱.۱.۲. تأثیر یاد معاد بر کنترل غرایز و خویشنداری

امام سجاده علیه‌السلام در دعای چهلم صحیفه می‌فرماید: «وَ سَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَ آمِنَّا مِنْ شُرُورِهِ، وَ أَنْصَبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْبًا، وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِيًّا» (دعای ۴۰). ترجمه: «او از فریب آرزوها ما را سالم دار، و از بدی‌هایش امان ده، و مرگ را در برابر دیدگان ما قرار ده، قرار دادنی دائم و همیشگی، و یادش را به گونه‌ای قرار مده که روزی یادش کنیم و روزی از آن غفلت ورزیم.» این فراز، نشان می‌دهد که یاد مرگ و معاد، بهترین عامل برای کنترل غرایز و مهار طغیان نفس است. امام علیه‌السلام می‌خواهد که انسان همواره مرگ را در برابر چشم خود ببیند تا فریب لذت‌های زودگذر دنیا را نخورد و در مسیر خویشنداری و تقوا باقی بماند.

ایمان به معاد، از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های خودکنترلی در اخلاق اسلامی است و نقشی محوری در مهار غرایز و سامان‌دهی تمایلات نفسانی دارد. انسان در پرتو باور به بازگشت و حساب نهایی، میان تمایلات آنی و ارزش‌های پایدار تمایز می‌گذارد و از این رهگذر، اراده‌اش در جهت کنترل نفس تقویت می‌شود. در متون دینی، یاد مرگ و قیامت همواره به‌عنوان یکی از مؤثرترین راه‌های تهذیب نفس معرفی شده است؛ زیرا فرد مؤمن، با آگاهی از حضور الهی و حساب دقیق اعمال، از انحراف و افراط در بهره‌مندی‌های غریزی پرهیز می‌کند (رفیعی‌محمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۲). این معنا در بیانات علوی نیز انعکاس یافته است که انسان باید همواره خود را در معرض داوری الهی ببیند تا هوای نفس بر او چیره نشود (حسن‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۵).

باور به معاد در واقع نوعی نظام بازدارنده‌ی درونی ایجاد می‌کند؛ بازدارنده‌ای که بدون نیاز به فشار بیرونی، شخص را از ارتکاب خطا و انحراف باز می‌دارد. در منطق تربیت دینی، این باور کارکردی همانند وجدان اخلاقی دارد اما مبنای آن الهی و اخروی است. یاد قیامت به انسان می‌آموزد که هیچ عملی از ساحت آگاهی الهی پنهان نمی‌ماند و همین احساس مراقبت، مانع از رها شدن غرایز در مسیرهای غیرمشروع می‌شود (اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۱۳). ایمان به معاد نه تنها موجب خودداری از گناه می‌گردد بلکه به تعالی اراده و استحکام شخصیت می‌انجامد؛ زیرا انسان مؤمن، تصمیم‌های خود را در افق ابدیت می‌سنجد و همین آگاهی، نظام اولویت‌هایش را اصلاح می‌کند (جعفرزاده و نادری، ۱۳۹۷، ص ۸).

در آموزه‌های تربیتی اسلام، مهار نفس و تسلط بر غرایز مقدمه‌ای برای رشد روحانی و اخلاقی است. معادباوری با ایجاد احساس پاسخ‌گویی، این مهار را از سطح عادت به سطح بینش ارتقا می‌دهد. فردی که باور دارد همه اعمالش در پیشگاه خداوند حسابرسی می‌شود، انگیزه‌ای درونی برای خویشنداری می‌یابد. بدین ترتیب، گرایش‌های حیوانی به تدریج در چارچوب تقوا و عقلانیت دینی قرار می‌گیرند (کشاوری و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳). از سوی دیگر، یاد مرگ و آخرت، میل به لذت‌طلبی افراطی را تعدیل کرده و روح قناعت و پارسایی را در فرد تقویت می‌کند. چنین حالتی در واقع نوعی «پرهیز فعال» است، نه صرفاً انصراف از دنیا، زیرا انسان معادباور می‌کوشد تا بهره‌مندی از دنیا را در مسیر رضایت الهی قرار دهد (مرادی‌کهنگی، منظوری و ناصری‌کریموند، ۱۳۹۷، ص ۳۱).

در بعد روانی، این باور نوعی بازدارندگی شناختی ایجاد می‌کند. تحقیقات دینی و روان‌شناختی اخیر نشان می‌دهند که افرادی که سطح بالاتری از اعتقاد به معاد دارند، در مقایسه با دیگران کنترل هیجان بیشتری از خود نشان می‌دهند و در برابر وسوسه‌ها تصمیم‌های اخلاقی تری اتخاذ می‌کنند (قربانی‌لاکتراشانی، آبادیان و آریانا، ۱۴۰۲، ص ۳۸). چنین تأثیری را می‌توان نتیجه حضور دائم مفهوم «مسئولیت در برابر خداوند» دانست؛ زیرا انسان معادباور، آزادی را نه رهایی از قانون بلکه التزام آگاهانه به آن می‌فهمد. از منظر اخلاق اسلامی، ایمان به آخرت روح مجاهدت با نفس است. یاد قیامت انسان را در معرض نوعی مشاهده درونی قرار می‌دهد که در آن، ارزش‌های اخلاقی بر غرایز حاکم می‌شوند. بنابراین، یاد معاد صرفاً هشدار نسبت به عذاب نیست، بلکه سازوکار عقلانی تربیت درونی است که به فرد قدرت تشخیص و اراده برای مقاومت در برابر خواهش‌های لحظه‌ای می‌دهد (جعفرزاده و نادری، ۱۳۹۷، ص ۱۰؛ اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۱۶).

۲.۱.۲. نقش ایمان به آخرت در ایجاد آرامش و امید در زندگی دنیوی

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

«وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطِي مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ، وَنَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشْكِ اللَّحَاقِ بِكَ» (دعای ۴۰).

ترجمه: «و از اعمال شایسته، عملی برایمان قرار ده که آمدن به سوی تو را همراه با آن، آرام و آهسته شماریم، و برای زود رسیدن به لقای تو حرص ورزیم.»

در این عبارت، امید و آرامش مؤمن از ایمان به آخرت ریشه می‌گیرد. امام از خدا می‌خواهد که عمل صالح، انسان را مشتاق دیدار الهی کند، نه بیمناک از مرگ. ایمان به معاد، اضطراب ناشی از فنا را از بین می‌برد و مرگ را به دیدار محبوب تبدیل می‌سازد. ایمان به معاد، افزون بر کارکرد بازدارنده، نقش آرام‌بخش و امیدآفرین نیز دارد. از منظر روان‌شناختی، یکی از عوامل اصلی اضطراب وجودی انسان، ناآگاهی از سرنوشت خویش پس از مرگ است. باور به آخرت با رفع این ابهام، معنا و هدفی والا برای زندگی فراهم می‌کند و انسان را از احساس پوچی می‌رهاند. فردی که به عدالت و رحمت الهی در جهان پس از مرگ باور دارد، حتی در مواجهه با رنج‌ها و ناکامی‌ها، آرامش خود را حفظ می‌کند، زیرا زندگی را محدود به دنیا نمی‌داند (قربانی‌لاکتراشانی، آبادیان و آریانا، ۱۴۰۲، ص ۳۴).

آرامش ناشی از معادباوری، ریشه در سه عنصر اساسی دارد: یقین به عدالت، امید به رحمت و احساس حضور خداوند در سرنوشت انسان. این سه عنصر شبکه‌ای از اطمینان درونی ایجاد می‌کنند که اضطراب و یأس را می‌زدایند. در تبیین تربیتی اسلام، معادباوری منبع اصلی امید حقیقی است، زیرا فرد مؤمن می‌داند هیچ تلاش نیکی بی‌ثمر نمی‌ماند و هیچ ظلمی بی‌پاسخ نمی‌ماند (مقدمی، واعظی و براتعلی، ۱۳۹۹، ص ۹۵). در حقیقت، ایمان به آخرت به انسان احساس عدالت هستی می‌بخشد و او را از رنج بی‌معنایی نجات می‌دهد (کشاوری و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷).

از منظر اخلاق فردی، این آرامش در قالب «رضایت از تقدیر» و «اعتماد به لطف الهی» تبلور می‌یابد. انسان معادباور به جای اضطراب نسبت به نامالایمات، آن‌ها را به‌عنوان آزمایش‌هایی در مسیر تکامل می‌پذیرد و بر صبر و پایداری تمرکز می‌کند (جعفرزاده و نادری، ۱۳۹۷، ص ۱۱). یاد مرگ و قیامت در واقع تمرینی برای پذیرش ناپایداری دنیاست و این آگاهی، مانع از فروپاشی روانی در برابر تغییرات زندگی می‌شود. چنین رویکردی با اصل قرآنی «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ» سازگار است؛ زیرا یاد خدا و بازگشت به او، محور آرامش قلبی معرفی شده است (اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۱۸).

مطالعات دینی و تربیتی نشان داده‌اند که ایمان به آخرت، نه تنها آرامش روانی بلکه نشاط اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد. افراد معادباور، نگرش مثبت‌تری به آینده دارند، سطح امیدشان به بهبود شرایط بالاتر است و در تعامل با دیگران رفتارهای همدلانه‌تری بروز می‌دهند (خوشنود، کهنساری، میریان‌آکندی و فلاح، ۱۴۰۰، ص ۵۴). این تأثیر امیدبخش به‌ویژه در شرایط بحرانی اجتماعی، مانند بیماری‌ها یا نابرابری‌های اقتصادی، آشکارتر است؛ زیرا ایمان به عدالت نهایی الهی، مانع از فروپاشی حس عدالت‌خواهی و اخلاق جمعی می‌شود (مرادی‌کهنگی، مظلوری و ناصری‌کریموند، ۱۳۹۷، ص ۳۶).

از دیدگاه فلسفه تربیت اسلامی، امید برخاسته از معادباوری، تفاوت بنیادینی با خوش‌بینی دنیوی دارد. خوش‌بینی صرف، بر احتمال تصادفی بهبود شرایط تکیه دارد، اما امید دینی بر یقین به رحمت و عدالت الهی استوار است؛ به همین سبب، پایدارتر و عمیق‌تر است (کشاورز و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۲). فرد مؤمن حتی در تنگناها، معنا و هدف را در چارچوب الهی جست‌وجو می‌کند و از افسردگی و اضطراب مصون می‌ماند. این حالت در متون اسلامی به‌عنوان «طمأنینه» توصیف شده است؛ حالتی از آرامش وجودی که تنها از ایمان به بازگشت و لقای الهی حاصل می‌شود (رفیعی‌محمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۵).

همچنین، ایمان به آخرت در شکل‌دهی به نگرش مثبت نسبت به مرگ نقش تعیین‌کننده دارد. فردی که مرگ را نه پایان بلکه گذار به حیات برتر می‌بیند، از اضطراب مرگ رهایی می‌یابد. این رویکرد در آموزه‌های دینی با تعبیر «انتقال» از دنیا به آخرت بیان شده و موجب می‌شود که مؤمن با آرامش و امید، به آینده بنگرد و از ناامیدی نسبت به زوال دنیوی پرهیز کند (جعفرزاده و نادری، ۱۳۹۷، ص ۱۲؛ اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۱۹).

۳.۱.۲. پیوند میان یقین به معاد و مسئولیت‌پذیری اخلاقی

امام سجاده علیه‌السلام در ادامه دعا می‌فرماید:

«أَمْتَنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصْرِينَ» (دعای ۴۰).

ترجمه: «ما را در زمره هدایت یافتگان بمیران، نه گمراهان؛ و در سلک مطیعانی که از مرگ اکراه ندارند و در جمع توبه‌کنندگان از دنیا ببر، نه گناهکاران و اصرار ورزان به گناه.»

در این فراز، رابطه میان ایمان به آخرت و مسئولیت اخلاقی آشکار است. یقین به معاد، انسان را به اطاعت، توبه و پرهیز از گناه فرا می‌خواند. مؤمن معتقد به حسابرسی، مسئولانه زندگی می‌کند و از بی‌مبالاتی اخلاقی دوری می‌گزیند.

یقین به معاد نه تنها منشأ آرامش و خویشنداری است، بلکه اساس مسئولیت‌پذیری اخلاقی در انسان به شمار می‌رود. در اندیشه اسلامی، انسان موجودی آزاد اما پاسخ‌گوست و این پاسخ‌گویی بدون باور به قیامت معنا ندارد. یقین به حساب و جزای الهی، وجدان اخلاقی را از سطح احساسات زودگذر به سطح تعهد آگاهانه ارتقا می‌دهد. در واقع، فردی که باور دارد تمامی گفتار و رفتار او ثبت و در روز بازگشت بررسی خواهد شد، خود را در برابر هر تصمیمی مسئول می‌داند (رفیعی‌محمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۷).

از منظر تربیتی، این یقین به معاد موجب شکل‌گیری نگرش تکلیف‌محور می‌شود. انسان معادباور اعمالش را نه به انگیزه نفع شخصی، بلکه بر اساس تکلیف الهی انجام می‌دهد. چنین نگرشی ضامن پایداری اخلاق در شرایطی است که منافع مادی در تضاد

با ارزش‌ها قرار می‌گیرد (کشاورز و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸). در حقیقت، ایمان به قیامت وجدان را از سلطه سودمحوری می‌رهاند و انسان را به عدالت، صداقت و وفاداری ملزم می‌کند (مرادی‌کهنگی، مظلوری و نناصری‌کریموند، ۱۳۹۷، ص ۳۹).

در نهج‌البلاغه، این رابطه به‌روشنی ترسیم شده است؛ آن‌جا که تأکید می‌شود یاد روز حساب، مسئولان و کارگزاران را از ظلم و تعدی باز می‌دارد و آنان را به رعایت حقوق مردم و انصاف در رفتار سوق می‌دهد (حسن‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۸). بر این اساس، یقین به معاد نه‌فقط فضیلت فردی بلکه مبنای عدالت اجتماعی است. هنگامی که باور به پاسخ‌گویی در آخرت در ذهن زمامداران و مردم ریشه بدواند، ساختار جامعه از درون اخلاقی می‌شود (خوشنود، کهنساری، میریان‌آکندی و فلاح، ۱۴۰۰، ص ۵۸).

پژوهش‌های معاصر در حوزه تربیت اسلامی نیز نشان می‌دهند که آموزش مبتنی بر معادباوری، درونی‌سازی ارزش‌ها را افزایش داده و احساس مسئولیت در قبال دیگران را تقویت می‌کند. چنین آموزشی، انسان را به‌گونه‌ای تربیت می‌کند که از درون به انجام خیر و ترک شر گرایش یابد و نیازی به نظارت بیرونی نداشته باشد (مقدمی، واعظی و براتعلی، ۱۳۹۹، ص ۹۷). به همین دلیل، نظام تربیتی اسلام در همه سطوح خود - از عبادات فردی تا تعاملات اجتماعی - بر یاد قیامت تأکید دارد تا مسئولیت‌پذیری به یک عادت درونی بدل شود (اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۱۷).

از سوی دیگر، یقین به معاد موجب می‌شود انسان نسبت به آثار اعمال خود آگاهانه‌تر ببیند. او در تصمیم‌گیری‌هایش پیامدهای اخلاقی و اخروی را می‌سنجد و همین محاسبه درونی، ضامن رعایت حقوق دیگران است. در منطق قرآن، هر عمل به اندازه ذره‌ای محاسبه می‌شود و این آگاهی، وجدان اخلاقی را همواره بیدار نگه می‌دارد (کشاورز و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰). به همین دلیل، اخلاق اسلامی نه‌تنها از بیرون بلکه از درون پایدار است؛ زیرا انسان، خود را ناظر اعمال خویش می‌داند و از عدالت الهی گریزی نمی‌بیند (جعفرزاده و نادری، ۱۳۹۷، ص ۱۳).

از نظر اجتماعی، یقین به معاد پایه همزیستی عادلانه و همدلانه است. وقتی افراد جامعه باور داشته باشند که عدالت نهایی در آخرت تحقق می‌یابد، از انتقام‌جویی و خشونت پرهیز می‌کنند و در برابر بی‌عدالتی‌ها صبر و پایداری پیشه می‌نمایند (خوشنود، کهنساری، میریان‌آکندی و فلاح، ۱۴۰۰، ص ۶۰). این نگرش، منبعی برای ثبات اخلاق جمعی و کاهش نزاع‌های اجتماعی است.

در بعد فردی، یقین به معاد به مسئولیت در برابر خویشتن و رشد درونی منتهی می‌شود. انسان، خود را در جایگاه پاسخ‌گو نسبت به استعدادها و امکاناتی می‌بیند که خداوند در اختیار او گذاشته است. این حس مسئولیت وجودی، او را از تنبلی و بی‌تفاوتی نجات داده و به تلاش برای کمال و خدمت به دیگران سوق می‌دهد (اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). در واقع، یقین به معاد، نه‌تنها عامل بازدارنده، بلکه نیروی محرک برای عمل خیر است.

۲.۲. نمود باور به معاد در روابط اجتماعی انسان

در حوزه اجتماعی، معادباوری نقشی بنیادین در برقراری عدالت، گسترش همکاری و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز دارد. ایمان به حساب و جزا، روابط انسانی را از خودمحوری به مسئولیت‌پذیری متقابل سوق می‌دهد و با ایجاد روح تعاون و پرهیز از ظلم، بنیان جامعه‌ای اخلاق‌مدار و صلح‌جو را استوار می‌سازد.

۱.۲.۲. عدالت‌گرایی اجتماعی بر پایه باور به حساب و جزا

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

«يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَ مُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ» (دعای ۴۰).

ترجمه: «ای ضامن پاداش نیکوکاران و اصلاح‌کننده کردار بدکاران!»

در این بیان، عدالت الهی و باور به جزا محور است. اعتقاد به این که خداوند پاداش و کیفر هر کس را تضمین می‌کند، ریشه عدالت‌خواهی در جامعه است. انسان مؤمن به حساب و جزا، نه تنها از ظلم می‌پرهیزد، بلکه عدالت را وظیفه‌ای الهی می‌بیند. باور به معاد نه تنها بر اخلاق فردی اثر می‌گذارد بلکه در سطح اجتماعی نیز نیروی اصلاح‌گر و عدالت‌محور به شمار می‌رود. ایمان به حساب و جزای الهی، ضامن پایداری افراد به عدالت در روابط اجتماعی است؛ زیرا فرد مؤمن می‌داند هر ظلمی، کوچک یا بزرگ، در دادگاه الهی بررسی خواهد شد. این آگاهی، به‌ویژه در حوزه مسئولیت‌های عمومی، مانع از سوءاستفاده از قدرت و تضییع حقوق مردم می‌شود (حسن‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۷). در واقع، عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی ریشه در اعتقاد به پاسخ‌گویی اخروی دارد؛ یعنی هیچ قدرتی مطلق نیست و هر صاحب‌منصبی، خود در برابر خداوند پاسخ‌گو است.

این اعتقاد، احساس نظارت دائمی را در وجدان انسان زنده نگه می‌دارد و از شکل‌گیری ساختارهای مبتنی بر ظلم جلوگیری می‌کند. ایمان به معاد، نظام ارزشی جامعه را از منافع مادی فراتر برده و رفتار اجتماعی را با معیار الهی تنظیم می‌کند. فرد معادباور، عدالت را نه فقط یک ضرورت اجتماعی بلکه تکلیف الهی می‌داند و در برابر هرگونه بی‌عدالتی احساس مسئولیت می‌کند (مرادی کهنگی، مطوری و ناصری کریموند، ۱۳۹۷، ص ۲۵). به همین دلیل، در جوامعی که باور به حساب و جزا قوی‌تر است، گرایش به قانون‌گریزی و فساد اداری کاهش می‌یابد؛ زیرا افراد، نه از ترس مجازات دنیوی، بلکه از بیم داوری اخروی به عدالت پایبند می‌مانند (خوشنود، کهنساری، میریان‌آکندی و فلاح، ۱۴۰۰، ص ۵۳).

در سطح فکری نیز، عدالت در قرآن و سنت، بازتابی از عدالت الهی در آخرت است. باور به معاد، عدالت را از نسبییت بشری به ثبات الهی پیوند می‌زند و جامعه را بر مبنای معیارهای مطلق و الهی تنظیم می‌کند (کشاورز و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰). از این منظر، عدالت اجتماعی صرفاً پدیده‌ای اقتصادی یا سیاسی نیست، بلکه ریشه در هستی‌شناسی دینی دارد. انسان‌ها، چون خود را در برابر خداوند مسئول می‌دانند، نمی‌توانند نسبت به ستم اجتماعی بی‌تفاوت باشند.

تحلیل‌های تربیتی نشان داده است که معادباوری، نگرش انسان نسبت به مسئولیت اجتماعی را تغییر می‌دهد؛ فرد مؤمن در خدمت به دیگران و رعایت حقوق عمومی، رضای الهی را جست‌وجو می‌کند نه منفعت شخصی (مقدمی، واعظی و براتعلی، ۱۳۹۹، ص ۹۲). عدالت در نگاه او، محدود به نظام‌های وضعی نیست بلکه مفهومی مقدس و معنوی است. این امر موجب می‌شود که پایبندی به عدالت حتی در خلوت و غیاب ناظر بیرونی حفظ شود (اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۱۶).

در نهج‌البلاغه نیز بارها بر این معنا تأکید شده است که یاد روز حساب، معیار رفتار اجتماعی است و حاکمان باید به آن به‌عنوان عامل کنترل درونی توجه کنند (رفیعی‌محمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۹). جامعه‌ای که ایمان به معاد در آن نهادینه شود، از ظلم ساختاری، تبعیض و بی‌عدالتی فاصله می‌گیرد و در عوض، ارزش‌هایی چون امانت‌داری، انصاف و رعایت حقوق شهروندی تقویت می‌شود. چنین جامعه‌ای، عدالت را نه محصول فشار بیرونی بلکه ثمره ایمان درونی می‌داند (مرادی کهنگی، مطوری و ناصری کریموند، ۱۳۹۷، ص ۳۸).

به بیان دیگر، باور به معاد، «زبان مشترک عدالت» را میان انسان‌ها برقرار می‌کند. همه افراد، فارغ از موقعیت اجتماعی، خود را در برابر داوری الهی برابر می‌بینند و این برابری معنوی، بستر عدالت اجتماعی را فراهم می‌آورد. در چنین جامعه‌ای، مسئولیت‌پذیری جای خودخواهی را می‌گیرد و عدالت از درون وجدان‌ها می‌جوشد، نه از بیرون نظام‌های تنبیهی (خوشنود، کهنساری، میریان‌آکندی و فلاح، ۱۴۰۰، ص ۵۹).

۲.۲.۲. تقویت روح تعاون و پرهیز از ظلم در پرتو ایمان به معاد

امام سجاده علیه‌السلام در دعای خود عرض می‌کند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ» (دعای ۴۰).

ترجمه: «خدایا بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از آرزوهای دور و دراز بی‌نیاز گردان، و آرزوها را با عمل صادق از ما کوتاه کن.»

در این دعا، امام(ع) بر «صدق عمل» به‌عنوان معیار رهایی از فریب دنیا تأکید دارد. جامعه‌ای که اعضایش بر اساس عمل صادق و امید آخرت رفتار می‌کنند، زمینه ظلم و خودخواهی در آن از بین می‌رود و روح تعاون و انصاف جایگزین می‌شود. یکی از آثار مستقیم ایمان به معاد، رشد روح تعاون و همیاری در جامعه است. در منطق قرآنی، باور به آخرت موجب می‌شود انسان، دیگران را شریک در سرنوشت ابدی خود بداند و از انزوا، خودمحوری و بی‌تفاوتی فاصله بگیرد. فرد معادباور می‌داند که رفتار او با دیگران، نه تنها در دنیا بلکه در آخرت نیز پیامد دارد؛ از این‌رو، به یاری دیگران می‌شتابد و از ظلم و آزار پرهیز می‌کند (کشاورز و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴).

ایمان به قیامت، انسان را از تمرکز صرف بر منافع شخصی خارج کرده و در او احساس مسئولیت نسبت به دیگران برمی‌انگیزد. در جامعه‌ای که باور به حساب و جزا زنده باشد، کمک به نیازمندان، رعایت انصاف و گذشت از خطای دیگران، فضیلت‌هایی اجتماعی و محبوب الهی تلقی می‌شود (اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۱۴). از این‌رو، معادباوری، پیوندهای انسانی را تقویت و حس نوع‌دوستی را به یک اصل دینی تبدیل می‌کند.

از دیدگاه تربیتی، روح تعاون در جامعه اسلامی نتیجه باور به پاداش اخروی است. مؤمنان، کار نیک را حتی در غیاب سود مادی انجام می‌دهند؛ زیرا یقین دارند خداوند پاداش عمل صالح را ضایع نمی‌کند (مقدمی، واعظی و براتعلی، ۱۳۹۹، ص ۹۳). این نگرش، سبب می‌شود انگیزه همکاری در امور خیر تقویت و روابط اجتماعی بر اساس محبت و صداقت سامان یابد. افزون بر آن، یاد قیامت، روح مسئولیت‌پذیری جمعی را افزایش داده و مانع از رشد روحیه رقابت ناسالم و خودخواهی می‌شود (خوشنود، کپساری، میریان‌آکندی و فلاح، ۱۴۰۰، ص ۵۶).

در بُعد اجتماعی، ایمان به معاد، عدالت را از یک مفهوم فردی به یک قاعده ارتباطی تبدیل می‌کند. هنگامی که مردم باور داشته باشند هر رفتار ظالمانه‌ای در آخرت کیفر دارد، زمینه ظلم و فساد از بین می‌رود. این باور در سطح مدیریتی و حکمرانی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند؛ زیرا حاکمان معادباور، خود را نه مالک، بلکه امانت‌دار مردم می‌دانند (حسن‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۸). در مقابل، فراموشی آخرت موجب استبداد و بی‌رحمی می‌شود، چراکه فرد خود را از حسابرسی مصون می‌بیند.

پژوهش‌های دینی نشان داده‌اند که باور به معاد، موجب ایجاد اعتماد متقابل در جامعه می‌شود؛ زیرا اعضای جامعه، دیگران را صادق و امانت‌دار می‌دانند، چون می‌دانند آنان از داور الهی بیم دارند (مرادی‌کهنگی، مظوری و ناصری‌کریموند، ۱۳۹۷، ص ۴۰). این اعتماد اجتماعی، زیرساخت همکاری و همدلی است. از این‌رو، می‌توان گفت که ایمان به معاد، نوعی «سرمایه اخلاقی» برای پیوندهای اجتماعی فراهم می‌کند.

از جنبه روانی نیز، باور به آخرت موجب کاهش احساس خشم و انتقام‌جویی می‌شود؛ زیرا انسان می‌داند عدالت نهایی در دست خداست. این آگاهی، ریشه بسیاری از نزاع‌ها را از بین می‌برد و روحیه بخشش را تقویت می‌کند (رفیعی‌محمدی، ۱۳۹۷، ص ۲۱). در چنین جامعه‌ای، همیاری جای دشمنی و همدلی جای حسادت را می‌گیرد و افراد، خود را اعضای خانواده‌ای معنوی می‌بینند که هدفی مشترک، یعنی رضایت الهی، آن‌ها را به هم پیوند داده است (کشاورز و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸).

ایمان به معاد نه تنها مانع از ظلم و تجاوز است، بلکه به صورت ایجابی، روح تعاون، انفاق و گذشت را زنده می‌کند. جامعه‌ای که این باور در آن نهادینه شده باشد، از بی‌اعتمادی و خودخواهی فاصله می‌گیرد و به سوی انسجام اخلاقی پیش می‌رود (خوشنود، کهساری، میریان‌آکندی و فلاح، ۱۴۰۰، ص ۵۸؛ مقدمی، واعظی و براتعلی، ۱۳۹۹، ص ۹۶).

۱.۳.۲.۲. اثر تربیتی معادباوری در همزیستی مسالمت‌آمیز

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

«وَاجْلُهُ بَاباً مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَ مِفْتَاحاً مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ» (دعای ۴۰).

ترجمه: «و آن [مرگ] را دری از درهای آمرزش و کلیدی از کلیدهای رحمت قرار ده.»

در این فراز، مرگ نه به عنوان پایان، بلکه به عنوان دروازه رحمت و مغفرت الهی معرفی می‌شود. چنین نگاهی، خشونت و دشمنی را از میان می‌برد و روحیه مدارا، گذشت و همزیستی را در انسان تقویت می‌کند؛ زیرا همه انسان‌ها در مسیر واحدی به سوی رحمت الهی در حرکت‌اند.

از منظر تربیت اسلامی، معادباوری زیربنای همزیستی مسالمت‌آمیز است؛ زیرا با ایجاد نگرش توحیدی و مسئولیت‌پذیری اخروی، اختلافات و تعارض‌های اجتماعی را به گفت‌وگو و مدارای اخلاقی تبدیل می‌کند. انسان معادباور، در مواجهه با دیگران، نیت خود را بر رضای الهی قرار می‌دهد و از تکبر، خشم و نفرت پرهیز می‌کند. او به این یقین رسیده است که ارزش واقعی انسان‌ها به تقوا و نیت خالص آنان است، نه به دارایی یا قدرت ظاهری‌شان (کشاورز و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱).

از نظر روان‌شناختی، یاد آخرت موجب فروتنی و مدارا می‌شود؛ زیرا فرد مؤمن، جایگاه خود را در برابر عظمت خداوند درمی‌یابد و نسبت به دیگران حس برتری ندارد. این نگرش، پایه صبر و تساهل در تعاملات اجتماعی است. همچنین، ایمان به قیامت مانع از قضاوت عجولانه و دشمنی با دیگران می‌شود، چون مؤمن می‌داند داور نهایی خداست و نباید به ناحق درباره دیگران حکم دهد (مقدمی، واعظی و براتعلی، ۱۳۹۹، ص ۹۷).

در بُعد اجتماعی، معادباوری، اخلاق گفت‌وگو و همزیستی را نهادینه می‌کند. فردی که باور دارد هر سخن و رفتارش ثبت می‌شود، در تعامل با دیگران ادب و انصاف را رعایت می‌کند. به همین دلیل، در جوامع دینی که باور به آخرت زنده است، میزان نزاع، بدگویی و دشمنی کمتر است (خوشنود، کهساری، میریان‌آکندی و فلاح، ۱۴۰۰، ص ۵۷).

از سوی دیگر، ایمان به آخرت روحیه انتقام‌جویی را کنترل و تمایل به اصلاح و بخشش را جایگزین می‌کند. انسان آخرت‌باور، به جای تمرکز بر تلافی، به جبران و رشد معنوی می‌اندیشد. این نگرش، بنیان همزیستی صلح‌آمیز را تشکیل می‌دهد و نزاع‌های اجتماعی را به فرصت تربیتی تبدیل می‌کند (رفیعی‌محمدی، ۱۳۹۷، ص ۲۲).

در سنت اسلامی، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی مانند احسان، گذشت، انصاف و صلح و رحم، ریشه در باور به پاداش اخروی دارند. فردی که یقین دارد پاداش اعمالش نزد خدا محفوظ است، در تعاملات اجتماعی به ایثار و مهربانی گرایش دارد و حتی با کسانی که به او بدی کرده‌اند، با نرمی برخورد می‌کند (اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۱۹). جامعه‌ای که بر محور معادباوری شکل می‌گیرد، جامعه‌ای صلح‌جو، متواضع و اخلاق‌مدار است.

از نظر فلسفی نیز، معادباوری بنیان عقلانیت ارتباطی در اسلام است. چون انسان‌ها در افق مشترک پاسخ‌گویی به خداوند زندگی می‌کنند، تعاملاتشان معطوف به حقیقت و خیر می‌شود، نه صرفاً منافع شخصی. این نگاه، نوعی وجدان جمعی ایجاد می‌کند که در آن، احترام متقابل و رعایت حقوق دیگران به وظیفه دینی تبدیل می‌شود (جعفرزاده و نادری، ۱۳۹۷، ص ۱۳؛ کشاورز و زهری‌بیدگلی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵).

اثر تربیتی ایمان به معاد در همزیستی اجتماعی را می‌توان در سه بعد خلاصه کرد: نخست، کاهش نزاع و خشونت از طریق تقویت صبر و بخشش؛ دوم، ارتقای گفت‌وگو و مدارا از طریق احساس نظارت الهی؛ و سوم، افزایش همکاری و خیرخواهی از طریق باور به پاداش اخروی. این سه بعد، با همدیگر نظامی از اخلاق اجتماعی را پدید می‌آورند که بر پایه توحید، مسئولیت و عشق به خیر مشترک استوار است (خوشنود، کهساری، میریان‌آکندی و فلاح، ۱۴۰۰، ص ۶۱؛ مقدمی، واعظی و براتعلی، ۱۳۹۹، ص ۹۸).

بنابراین، می‌توان گفت معادباوری نه تنها موجب آرامش فردی و عدالت اجتماعی می‌شود، بلکه سازوکار اصلی همزیستی صلح‌آمیز و پایدار است. جامعه‌ای که در آن یاد قیامت زنده باشد، به‌طور طبیعی از خشونت، تبعیض و بی‌اعتمادی دور خواهد شد؛ زیرا اعضای آن می‌دانند که ارزش واقعی انسان‌ها به ایمان و عمل صالح است، نه به منافع زودگذر دنیوی (اشرفی و محمودی، ۱۴۰۱، ص ۲۰؛ رفیعی‌محمدی، ۱۳۹۷، ص ۲۳). چنین جامعه‌ای، تصویر زمینی از جامعه آرمانی موعود است که در آن، عدالت، محبت و صلح، ثمره زنده باور به معاد است.

نتیجه‌گیری

ایمان به معاد در منظومه معرفتی اسلام، نه صرفاً یک باور اعتقادی بلکه یک نظام تربیتی و اخلاقی پویاست که تمامی ابعاد حیات فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد. تحلیل مباحث این مقاله نشان داد که معادباوری، عامل وحدت‌بخش میان اصول توحید و نبوت بوده و با ایجاد افق پاسخ‌گویی در برابر خداوند، مسیر حرکت انسان را از خودمحوری به خدامحوری سوق می‌دهد. این باور، به زندگی معنا و غایت می‌بخشد و نظام کنش انسان را از محدودیت زمانی دنیا به گستره ابدیت پیوند می‌زند.

در سطح فردی، ایمان به آخرت نیرویی بازدارنده و سازنده است که غرایز را مهار و اراده را تقویت می‌کند. یاد قیامت، به‌عنوان سازوکار روانی و اخلاقی، انسان را از لذت‌جویی افراطی و بی‌هدفی می‌رهاند و در عوض، آرامش، امید و رضایت درونی را جایگزین اضطراب و پوچی می‌سازد. انسان معادباور با اتکا بر یقین به عدالت الهی، در برابر نامالیقات زندگی صبر می‌ورزد و در عرصه عمل، خویشتن‌داری و تقوا را پیشه می‌کند.

در بعد اجتماعی، معادباوری پایه‌گذار عدالت، همکاری و همزیستی اخلاقی است. باور به حساب و جزا، حس مسئولیت جمعی را تقویت کرده و مانع از ظلم، استبداد و بی‌عدالتی می‌شود. افراد و حاکمان معادباور، عدالت را تکلیف الهی دانسته و در تعامل با دیگران، انصاف و امانت را رعایت می‌کنند. این ایمان، روح تعاون و نوع‌دوستی را زنده نگه می‌دارد و با کاستن از خودخواهی و انتقام‌جویی، بستر صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌سازد.

یافته‌ها نشان داد که معادباوری نه تنها یک اصل اعتقادی، بلکه یک نیروی تمدن‌ساز است که می‌تواند در بازسازی اخلاق عمومی، تحکیم نهاد خانواده، کاهش بحران‌های روانی و ارتقای سرمایه اجتماعی نقش بنیادین ایفا کند. جامعه‌ای که یاد قیامت در آن زنده است، از درون اصلاح می‌شود، زیرا وجدان اخلاقی مردم بر پایه ایمان و امید شکل گرفته است. بنابراین، بازخوانی آموزه معاد در تربیت دینی و نظام فرهنگی معاصر، ضرورتی راهبردی برای بازسازی معنویت و عدالت در جوامع اسلامی است.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

کتاب‌ها

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۰۵ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

۲. جوهری، إسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح فی اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
۳. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. دمشق: دارالعلم.
۵. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ق). مجمع البحرین. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۶. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰). آموزش عقاید. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۷. (۱۳۸۲). معاد در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). اخلاق در قرآن (جلد دوم: بینش ها و گرایش ها). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). عدل الهی. تهران: صدرا.
۱۰. (۱۳۷۰). انسان و سرنوشت. تهران: صدرا.
۱۱. (۱۳۷۴). معاد. تهران: صدرا.

مقالات

۱. اشرفی، امین و محمودی، سجاد. (۱۴۰۱). نقش معادباوری در کمال گرایی انسان از منظر قرآن. معرفت، ۳۱(۲)، ۹-۲۰.
۲. جعفرزاده، فرزانه و نادری، زهرا. (۱۳۹۷). جایگاه معادباوری در تربیت انسان از دیدگاه ملاصدرا. جشنواره تألیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی.
۳. حسن زاده، مجتبی. (۱۴۰۱). معاد از دیدگاه امام علی(ع). همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی.
۴. خوشنود، حامد؛ کهنساری، رضا؛ میریان آکندی، سعید؛ فلاح، امیر. (۱۴۰۰). کارکرد باورهای اعتقادی در رفتارهای اجتماعی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۵(ویژه نامه)، ۵۱-۶۲.
۵. رفیعی محمدی، نرگس. (۱۳۹۷). تأثیرات معادباوری در حیات دنیوی انسان از منظر نهج البلاغه. پژوهش های نهج البلاغه، ۱۷(۵۹)، ۹-۲۲.
۶. شفیع، علی. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی هنر تذهیب در ادوار صفوی و قاجار. هنرهای کاربردی، ۳(۱)، ۱۰۷-۱۲۵.
۷. قربانی لاکتراشانی، فاطمه؛ آبادیان، علی؛ آریانا، محمد. (۱۴۰۲). نقش معادباوری در تاب‌آوری رنج مراقبت از فرزندان دارای معلولیت ذهنی. دین و سلامت، ۱۱(۲)، ۳۲-۴۵.
۸. کشاورز، سعیده و زهری بیدگلی، سحر. (۱۳۹۳). ماهیت، اهداف و روش‌های معادباوری در تربیت اسلامی مبتنی بر آیات قرآن. تربیت اسلامی، ۹(۱۹)، ۱۳۹-۱۵۶.
۹. مرادی کهنگی، فریناز؛ منظوری، علی اکبر؛ ناصری کریموند، احسان. (۱۳۹۷). نقش معادباوری در طهارت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه. پژوهش های نهج البلاغه، ۱۷(۵۹)، ۲۳-۴۲.
۱۰. مقدمی، مریم؛ واعظی، سعید؛ براتعلی، میلاد. (۱۳۹۹). استنتاج مبانی تربیت دینی بر اساس معادباوری و قرآن. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴(۴)، ۹۱-۱۰۲.